

تفسیر سورہ

۵

نبأ

### سیمای سوره نبأ

این سوره چهل آیه دارد و در مکه نازل شده است. نام سوره برگرفته از آیه دوم است که از قیامت، به «نبأ» عظیم یعنی خبر بزرگ یاد می‌کند.

آیات این سوره با استدلال به نظام حکیمانه حاکم بر طبیعت، برپایی قیامت برای اجرای نظام پاداش و کیفر را لازمه حکمت الهی شمرده و هستی انسان بدون آن را عبث و بیهوده می‌داند. ادامه سوره گوشه‌ای از عذاب سخت طغیان‌گران و نعمت‌های بهشتیان را بیان می‌دارد و با هشدار شدید به کافران پایان می‌پذیرد.

### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿۱﴾ عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ ﴿۲﴾ عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ ﴿۳﴾ الَّذِي هُمْ فِيهِ

مُخْتَلِفُونَ ﴿۴﴾ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ﴿۵﴾ ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ

درباره چه از یکدیگر می‌پرسند؟ از خبر بزرگ. همان که ایشان در باره آن اختلاف دارند. چنین نیست؛ زود است که بدانند. باز چنین نیست؛ زود است که بدانند.

## نکته‌ها:

- واژه «نبأ» به معنای خبرِ مهم و حتمی است که از آیات بعد فهمیده می‌شود مراد از آن خبر برپاشدن قیامت و رستاخیز است.
- در روایات، حضرت علی علیه السلام به عنوان یکی از مصادیق «نبأ عظیم» معرفی شده است.<sup>(۱)</sup>
- درباره معاد، کفار چند گروهند: «الذی هم فیه مختلفون» بعضی آنرا محال و برخی بعید دانسته و برخی تردید می‌ورزند و برخی دیگر لجاجت می‌کنند.
- سؤال، گاهی برای فهمیدن مطلب است که مورد تأیید و تأکید قرآن است، چنانکه می‌فرماید: «فستلوا اهل الذکر»<sup>(۲)</sup> اما گاهی سؤال، برای ایجاد تشکیک و تردید در ذهن دیگران است، آنهم در امور قطعی و حتمی مانند وقوع قیامت که قرآن در این آیات، آن را مورد مذمت قرار می‌دهد.

## پیام‌ها:

- ۱- شروع سخن با طرح یک سؤال، در تاثیر کلام مؤثر است. «عمّ یتساءلون»
- ۲- تشکیک در قیامت، کار کافران است. «یتساءلون عن النبأ العظیم»
- ۳- اگر سوال طبیعی بود باید جواب داد: «یستلونک ... قل» ولی اگر شیطنت بود. برخورد لازم است. «کلا سیعلمون»
- ۴- در برابر طعنه و کنایه به مقدّسات و باورهای قطعی، با قاطعیّت باید سخن گفت. «کلا»
- ۵- در برابر تردید، باید حرف حق را تکرار کرد. «کلا سیعلمون... کلا سیعلمون»
- ۶- قیامت دور نیست. «سیعلمون» (حرف سین رمز نزدیک بودن است)
- ۷- قیامت، روز کشف حقائق است. «سیعلمون»

۱. تفسیر نورالثقلین.

۲. نحل، ۴۳.

﴿۶﴾ أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا ﴿۷﴾ وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا ﴿۸﴾ وَ  
 خَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا ﴿۹﴾ وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا ﴿۱۰﴾ وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ  
 لِبَاسًا ﴿۱۱﴾ وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا

آیا زمین را بستر قرار ندادیم؟ و کوهها را (همچون) میخها؟ و شما را جفت  
 آفریدیم. و خواب را مایه آرامش شما قرار دادیم. و شب را پوششی  
 ساختیم. و روز را وقت تلاش و معاش قرار دادیم.

#### نکته‌ها:

- «اوتاد» جمع «وتد» به معنای میخ است و تشبیه کوه به میخ، از معجزات علمی قرآن است. ریشه کوهها در عمق زمین، مانع حرکت لایه‌های زمین و وقوع زلزله‌های دائمی است. کوهها همچون میخ، چند برابر آنچه در بیرون‌اند، در دل زمین فرورفته‌اند، بگذریم که کوهها منافع دیگری نیز دارند: حافظ برفها برای تابستان، مانع تند بادهای، علامت و نشانه راهها، محل معادن و سنگها و غارها و عامل ایجاد دره‌ها هستند که هر یک در جای خود برای زندگی ضروری است.
- «سبات» به معنای قطع کار و تعطیل کردن آن است که موجب آسایش و آرامش جسم و روان می‌شود.

#### پیام‌ها:

- ۱- مشت نمونه خروار است. مطالعه در هستی، بهترین راه خدانشناسی و معادشناسی است. ﴿أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا...﴾
- ۲- انسان در دادگاه عقل و وجدان خدا پرست است و می‌توان از وجدان او درباره قدرت الهی سوال کرد. ﴿أَلَمْ نَجْعَلِ﴾
- ۳- از قدرت خداوند به آفرینش زمین و آسمان و دیگر پدیده‌های طبیعی، به قدرت او برای برپایی قیامت، استدلال کنید. ﴿الْأَرْضَ... الْجِبَالَ... اللَّيْلَ... النَّهَارَ...﴾
- ۴- پس از طرد افکار باطل، بر عقاید حقتان استدلال کنید. ﴿كَلَّا سِيعِلْمُ... أَلَمْ نَجْعَلِ﴾

۵ - اگر روحیه لجاجت نباشد، انسان از همین زمین و زمان و خواب و خوراک می تواند درس بگیرد. ﴿الْأَرْضَ... اللَّيْلَ... النَّهَارَ...﴾  
 ۶- قدرت و حکمت الهی در آفرینش ما و هستی، دلیل آن است که ما را با مررها نخواهد کرد. ﴿خَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا... نَوْمِكُمْ سَبَاتًا... النَّهَارَ مَعَاشًا﴾

﴿۱۲﴾ وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا ﴿۱۳﴾ وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجًا  
 ﴿۱۴﴾ وَ أَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ﴿۱۵﴾ لِنُخْرِجَ بِهِ  
 حَبًّا وَ نَبَاتًا ﴿۱۶﴾ وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا

و بر فراز شما هفت (آسمان) استوار بنا کردیم. و (خورشید را) چراغی  
 فروزان قرار دادیم. و از ابرهای متراکم و فشرده، آبی فراوان فرو  
 فرستادیم. تا بوسیله آن دانه و گیاه و باغهای پر درخت بیرون آوریم.

#### نکته‌ها:

□ «معصرات» از «عصر» به معنای فشردن، یا صفت ابرهای باران‌زاست که گویا چنان خود را می فشرند که باران بیارند و یا صفت بادهایی که ابرها را متراکم و فشرده می سازد تا از آنها باران بیارد.<sup>(۱)</sup>

#### پیام‌ها:

۱- خداوند اداره هستی را بر اساس یک نظام مشخص (نظام سببیت و علت و معلول) قرار داده است. (نور و حرارت خورشید همراه با ابر و باران، عامل تولید دانه و گیاه می شود.) ﴿سِرَاجًا وَهَاجًا... مَاءً سَجَاجًا لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَ نَبَاتًا﴾  
 ۲- قرآن، شعر نیست، اما از آهنگ و موسیقی خاصی برخوردار است. ﴿وَهَاجًا، ثَجَّاجًا، نَبَاتًا﴾  
 ۳- اسباب و وسایل طبیعی، نباید ما را از خداوند غافل کند. ﴿لِنُخْرِجَ بِهِ...﴾

۱. تفسیر المیزان.

۴- خداوندی که زمین مرده را با نزول باران به صورت بوستانی پر درخت در می آورد، از زنده کردن مردگان عاجز نیست. ﴿لنُخْرِجَ بِهِ... جَنَّاتٍ الْفَاوَّاءِ﴾

﴿۱۷﴾ إِنَّ يَوْمَ الْفُضْلِ كَانَ مِيقَاتًا ﴿۱۸﴾ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الْأُصُورِ

فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا ﴿۱۹﴾ وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا ﴿۲۰﴾ وَ

سُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا

همانا روز جدایی، وعده‌گاه (ما با شما) است. روزی که در صور دمیده

شود و گروه گروه می‌آیند. و آسمان گشوده شود و به صورت درهایی

باز درآید. و کوه‌ها روان شوند و چون سراب گردند.

#### نکته‌ها:

- قیامت از جهتی «یوم الجمع» است که همه در آن اجتماع می‌کنند و از جهتی «یوم الفصل» نامیده شده، زیرا خوبان از بدان و حق از باطل جدا و به اختلافات فیصله داده می‌شود.
- در روایات می‌خوانیم که در قیامت مردم به گروه‌های مختلفی تقسیم می‌شوند و هر گروه به شکلی سخن چین در قیافه میمون، حرام‌خوار در شکل خوک، رباخوار در قالب وارونه، قاضی ظالم به صورت کور، خودپسند کر و لال، عالم بی عمل در حال جویدن زبان، همسایه آزار بی‌دست و پا، سعایت کننده آویخته بر آتش، هوسباز بدبو، و فخر فروشان به لباس با لباس، دوزخی محشور می‌شوند.<sup>(۱)</sup>
- حرکت کوه‌ها مقدمه به هم خوردن آنها و خرد شدن و ذره ذره شدن سنگها و در نهایت، روان شدن به گونه‌ای است که از دور سراب به نظر آیند. ﴿و سَيِّرَتِ الْجِبَالِ فَكَانَتْ سَرَابًا﴾

#### پیام‌ها:

۱- دنیا، مقدمه قیامت است و این همه نعمت عبث و بیهوده نیست. ﴿إِنَّ يَوْمَ الْفُضْلِ كَانَ مِيقَاتًا﴾

۱. تفسیر نورالثقلین.

- ۲- زمان قیامت از قبل نزد خداوند معلوم است. ﴿کان میقاتاً﴾  
 ۳- قیامت نیز نظامی دارد ﴿یوم یُنْفَخُ فی الصُّور﴾  
 ۴- در قیامت، نظام آسمان و زمین دگرگون می شود. ﴿فتحت السماء...سیرت الجبال﴾  
 ۵- انسان با مر ، رها و فراموش نمی شود. ﴿یوم الفصل کان میقاتاً﴾  
 ۶- به پیوندها و روابط دنیوی دلخوش نباشید که روزی همه چیز گسسته می شود. ﴿یوم الفصل﴾  
 ۷- ارتباط زمین و آسمان و اهل آنها، در قیامت توسعه می یابد. ﴿فتحت السماء﴾

﴿۲۱﴾ إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَاداً ﴿۲۲﴾ لِّلطَّاعِينَ مَثَاباً  
 ﴿۲۳﴾ لَّابِثِينَ فِيهَا أَحْقَاباً ﴿۲۴﴾ لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا  
 ﴿۲۵﴾ إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا ﴿۲۶﴾ جَزَاءً وَفَاقًا ﴿۲۷﴾ إِنَّهُمْ كَانُوا  
 لَا يَرْجُونَ حِسَابًا ﴿۲۸﴾ وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا ﴿۲۹﴾ وَكُلَّ شَيْءٍ  
 أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا ﴿۳۰﴾ فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا

همانا دوزخ، کمین گاهی است. برای سرکشان، جایگاه و بازگشتگاهی است. روزگاران در آن به سر برند. در آن دوزخ، نه خنکی چشند و نه آشامیدنی. مگر آب جوش و خونابه و چرکابه ای. که این، کیفری مناسب گناه آنهاست. آنان بودند که به روز حساب، امید و باوری نداشتند. و آیات ما را به سختی تکذیب می کردند. (ولی) ما حساب همه چیز را در کتاب خود داشتیم. پس بچشید که جز عذاب بر شما نمی افزاییم.

#### نکته ها:

- «مرصاد» یعنی کمین گاه و «طاعین» از «طغیان»، بی اندازه پیش رفتن در معصیت است.
- «مثاب» از «أوب» به معنای قرارگاه و رجوع است و فرجام را از آن جهت مثاب گویند که انسان با عمل خود آن را فراهم کرده و اکنون به آن باز می گردد.
- «احقاب» جمع «حُقب» به معنای مدت طولانی است.

- در روایات می‌خوانیم: آحقاب جمع حُقب و هر حقب شصت سال و به گفته بعضی هشتاد سال است که هر روز آن مثل هزار سالی است که شما در دنیا می‌شمارید.<sup>(۱)</sup>
- «حمیم»، آب داغ و «غساق»، آب زردی است که از زخم و چرک و خون خارج می‌شود.
- ممکن است معنای آیه چنین باشد که جهنم برای همه در کمین است ولی متقین از آن عبور می‌کنند و برای مجرمان جایگاه می‌شود. ﴿لَطَّاعِينَ مَثَابًا﴾
- با توجه به عدالت الهی که کیفر و جزا مطابق عقائد و کردار است، ﴿جَزَاءً وَفَاءً﴾ پس زیادی عذاب در آیه ﴿لَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا﴾ به خاطر زیادی کفر و فرار از حق است. ﴿فَلَمْ نَزِدْهُمْ دَعَائِيَ إِلَّا فَرَارًا﴾ چون در برابر هر دعوتی از انبیا، فرار کفار بیشتر می‌شود، خداوند نیز عذاب آنان را بیشتر می‌کند.
- در دوزخ، به جای سردی، گرمی و به جای شراب، غساق است. ﴿بِرْدًا وَلَا شَرَابًا إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا﴾

### پیام‌ها:

- ۱- دوزخ، از هم اکنون در کمین خلافاکاران است. ﴿إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا﴾
- ۲- گرفتار شدن و به دام افتادن مجرمان، امری قطعی است. ﴿مِرْصَادًا لِلطَّاعِينَ﴾
- ۳- طغیان‌گری، نشانه دوزخیان است. ﴿لِلطَّاعِينَ﴾
- ۴- اهل دوزخ دو گروهند گروهی ابدی، ﴿خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا﴾ و گروهی برای مدت طولانی. ﴿لَا يَثِينُ فِيهَا أَحْقَابًا﴾
- ۵- کیفرهای الهی عادلانه است. ﴿جَزَاءً وَفَاءً﴾
- ۶- حتی احتمال حساب و کتاب در قیامت، برای کنترل انسان کافی است. ﴿لَا يَرْجُونَ حِسَابًا﴾
- ۷- بی‌اعتقادی به قیامت، رمز طغیان است. ﴿لَطَّاعِينَ... لَا يَرْجُونَ حِسَابًا﴾
- ۸- انکار قیامت، زمینه انکار همه چیز است. ﴿لَا يَرْجُونَ حِسَابًا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا﴾

۱. تفسیر نورالثقلین.



۹- ریز و درشت کارها حساب و کتاب دارد و خداوند احاطه علمی به همه چیز دارد و این احاطه، ثابت و باقی است. ﴿کتاباً﴾ رمز ثبوت و بقا است ﴿کلّ شیء احصیناه کتاباً﴾

﴿۳۱﴾ إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا ﴿۳۲﴾ حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا ﴿۳۳﴾ وَكَوَاعِبِ  
أُتْرَابًا ﴿۳۴﴾ وَكَأْسًا دِهَاقًا ﴿۳۵﴾ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَابًا  
﴿۳۶﴾ جَزَاءً مِّن رَّبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا

همانا برای اهل پروا، رستگاری و کامیابی بزرگی است. انواع باغها و انگورها. و همسرانی زیبا و دلربا، همانند و همسال و جام‌هایی سرشار. در آنجا نه بیهوده‌ای شنوند و نه تکذیبی. پاداشی از طرف پروردگارت و عطایی از روی حساب.

#### نکته‌ها:

- «مفاز» یا به معنای محل کامیابی است و یا خود کامیابی. «حدائق» جمع «حديقة» باغ دیواردار را گویند. «کواعب» جمع «کاعب» دختری را گویند که تازه سینه‌اش بر آمده باشد، «اتراب» جمع «ترب» به معنای هم سن و سال و هم شکل و شمائل است. شاید مراد این باشد که حوریان بهشتی در زیبایی بر یکدیگر برتری ندارند، کلمه کاس به معنای جام بلورین و دهاق به معنای لبریز است. البته بعضی آن را از ریشه دَهَقَ به معنای گره زدن پی در پی گرفته‌اند، یعنی جام‌های شراب پی‌پی عرضه می‌شود.
- انگور در میان میوه‌ها جایگاه خاصی دارد و لذا به صورت جداگانه ذکر شده است. ﴿حدائق و اعناباً﴾

#### پیام‌ها:

- ۱- بیم و امید باید در کنار هم باشد. در این سوره پاداش متقین در برابر کیفر طاغین قرار گرفته است. ﴿انّ جهنم کانت مرصداً للطاغین... انّ للمتقین مفازاً﴾
- ۲- کامیابی و رستگاری در سایه نعمت‌های مادی و معنوی است. ﴿انّ للمتقین

- مفازاً (کلمه «حدائق» رمز نعمت‌های مادی و کلمه «لا یسمعون» رمز نعمت‌های معنوی است).
- ۳- نعمت‌های بهشتی، انسان را گرفتار غرور و غفلت و یاوه‌گوئی و بدمستی نمی‌کند. «لا یسمعون»
- ۴- جلساتی که در آن لغو و دروغ نباشد، جلسات بهشتی است. «لا یسمعون فیها لغواً و لا کذاباً»
- ۵- نه تنها کیفرها عادلانه است. «جزاء وفاقاً» بلکه پاداشها نیز حساب و کتاب دارد. «عطاءً حساباً»
- ۶- در جامعه بهشتی، افراد یکدیگر را تکذیب نمی‌کنند و اعتماد و اطمینان میان آنها حاکم است. «و لا کذاباً»
- ۷- پاداش‌های الهی، عطار تفضّل اوست نه اینکه ماطلبی داشته باشیم. «جزاء من ربّك عطاءً»
- ۸- لازمه ربوبیت، نظام کیفر و پاداش است. «جزاء من ربّك»
- ۹- پاداش الهی به متقین حساب دارد. هر که تقوای بیشتری دارد پاداش بیشتری خواهد داشت. «عطاءً حساباً»

﴿۳۷﴾ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنِ لَا يَمْلِكُونَ

مِنْهُ خِطَاباً

(پروردگار تو) پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست می‌باشد، او سر چشمه رحمت است. (با این وصف) کسی را یارای خطاب با او نیست.

پیام‌ها:

- ۱- تدبیر اداره امور همه هستی برای خدا یکسان است. آسمان و زمین و آنچه میان آنهاست، برای او تفاوتی ندارد. «رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا»
- ۲- پیامبر اکرم مقام بس والائی دارد. گویا او یک در کفّه و تمام هستی در کفّه

دیگر است. ﴿رَبِّكَ... رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾  
 ۳- ربوبیت الهی بر اساس رحمت است. ﴿رَبِّ - الرَّحْمَنِ﴾  
 ۴- حق گفتگوی خودسرانه و معترضان در قیامت نیست. ﴿لَا يَلْكُونُ مِنْهُ خُطَابًا﴾

﴿۳۸﴾ يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ  
 الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا ﴿۳۹﴾ ذَلِكَ الْيَوْمَ الْحَقُّ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ  
 إِلَيَّ رَبًّا مَتَابًا

روزی که روح و فرشتگان به صف ایستند، کسی سخن نگوید جز آن که (خدای) رحمان به او اجازه دهد و او سخن صواب گوید. آن روز، روز حق است (و محقق خواهد شد.) پس هر که بخواهد، راه بازگشتی به سوی پروردگارش انتخاب کند.

#### نکته‌ها:

- واژه «روح» در قرآن گاهی به صورت مطلق آمده، مانند این آیه و آیه ۴ سوره قدر، ﴿تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ﴾ که معمولاً در این موارد، در برابر ملائکه قرار گرفته است و گاهی به صورت مقید آمده، مانند روح القدس، روح الامین.
- از روایات بر می آید که روح، یا مخلوقی است برتر از فرشته و یا اگر فرشته است، برترین فرشتگان است. چنانکه در روایتی از امام صادق علیه السلام می خوانیم: روح، فرشته‌ای برتر از جبرئیل و میکائیل است.<sup>(۱)</sup>
- در روایات می خوانیم که مراد از ﴿الَّذِينَ لَهُ الْأُذُنُ﴾ امامان معصوم هستند که از جانب خداوند اذن دارند سخن صواب و حق گویند.<sup>(۲)</sup>

#### پیام‌ها:

- ۱- نه فقط انسان و جن، بلکه فرشتگان نیز در صحنه قیامت حاضر می شوند.
- ﴿يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ﴾

۱. تفسیر نمونه.

۲. تفسیر نورالثقلین.

- ۲- رعایت نظم و انضباط و آمادگی برای انجام دستورات، از ویژگی‌های فرشتگان الهی است. «يقوم الروح و الملائكة صفًا»
- ۳- در قیامت شفاعت منوط به اذن خداوند است. «لا يتكلمون الا من أذن له الرحمن و قال صوابًا»
- ۴- انسان در انتخاب راه آزاد است. «فمن شاء»
- ۵- قیامت، روزی است که هم وقوع آن حق است و هم بر اساس حق عمل می‌شود. «اليوم الحق»
- ۶- چون قیامت حق است، پس راهی را انتخاب کنیم که به سوی او باشد. «فمن شاء اتخذ الى ربه مئابًا»

﴿ ۴۰ ﴾ اِنَّا اَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيْبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ

وَ يَقُوْلُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا

همانا ما شما را از عذابی نزدیک بیم دادیم، روزی که انسان به آنچه از پیش فرستاده بنگرد و کافر گوید: ای کاش خاک بودم.

#### پیام‌ها:

- ۱- برای افراد غافل، هشدار و انذار مهمتر از بشارت است. «اَنَا اَنْذَرْنَاكُمْ»
- ۲- دلیل غفلت آن است که مردم، قیامت را دور می‌پندارند. «عَذَابًا قَرِيْبًا»
- ۳- پشیمانی، دلیل بر اختیار انسان است. «يا ليتني كنت ترابًا»
- ۴- در قیامت، انسان ناظر بر عملکرد خویش است. «ينظر المرء ما قدّمت يده»
- ۵- سرنوشت اخروی هر کس به دست خود اوست. «ينظر المرء ما قدّمت يده»
- ۶- خاک یک دانه می‌گیرد، یک خوشه می‌دهد، ولی کفّار صدها دلیل و برهان می‌شنوند ولی یکی را نمی‌پذیرند. پس خاک بر کافر برتری دارد. «كنت ترابًا»

«والحمد لله رب العالمين»